

اعجاز احمد (NET/JRF, SET)

دانشجوی دوره دکتری

بخش فارسی، دانشگاه کشمیر

”واقعات کشمیر: موثق ترین منبع تاریخ کشمیر“

واقعات کشمیر، یکی از منابع مهم تاریخ کشمیر است. نگارنده این تاریخ خواجه محمد اعظم دیده مری است. قبل از اینکه موضوع مورد نظر را زیر بحث قرار دهیم لازم است درباره نگارنده این کتاب آگاهی مختصری داده شود تا معلوم شود که خواجه محمد اعظم دیده مری در ادبیات فارسی کشمیر چه مقام و مرتبت دارد. خواجه محمد اعظم در ۱۱۰۳ هـ به عهد اورنگ زیب عالمگیر وقتی که ابونصر خان استاندار کشمیر بود پیا در دایره حیات نهاد (۱). خواجه محمد اعظم از جمله مشاهیر کشمیر بود که در محله دیده مر از محله های سریناگر پایین تر از صفا کدل بر لب دریای بهت (جهلم) نشو و نما یافت. نسب نامه خواجه اعظم این قرار است:

خواجه محمد اعظم دیده مری بن خواجه خیرالدین
(خیرالزمان خان) بن خواجه محمد حسین بن خواجه محمد

اسحاق (ملک التجار) (۲). خواجه خیرالدین یعنی پدر بزرگوار
خواجه محمد اعظم در دربار عالمگیر شاه مقام بلند داشت و
اورنگ زیب عالمگیر حذاقت و لیاقت طبع و سلیقه و
دیانتداری خواجه خیرالدین دیده خطاب خیرالزمان خان او را
عطا فرمود و آمدنی چند دهات به طور جاگیر به وی سپرد.
بعد از مدتی خواجه موصوف به کشمیر مراجعت کرد و
مسجدی مضبوط مشتمل بر حمام گرم متصل دولت خانه
خود به مقام ملک یار از محلات فتح کدل تعمیر کنانید.
بالآخر در ۱۱۶۵ هجری وفات یافت و در مزاری که الحال مزار دیده
مروها مشهور است مدفون شد (۳). پسرش خواجه
محمد اعظم چون در گفتن ماده تاریخ دستگاه کامل داشت
تاریخ وفاتش گفته است که بر لوح مزارش منقوش است:

چون خان ملک خوی هفتاد و شش سال
شده مظهر و صل حق بی تناهی
به خلقش مزین ریاض بهشت است
بذاتش مروت خرامان کماهی
معینش بود حضرت پاک عزت
شفیعیش به محشر رسالت پناهی
رقم کرد اعظم به سال وصالش
که خیرالزمان محو و صل الهی (۴)

خواجه خیرالدین دو فرزند داشت یکی خواجه محمد اعظم دیگری خواجه نعمت الله. خواجه نعمت الله تجارت پیشه بود و در ۱۱۸۰هـ از جهان فانی در گذشت (۵). خواجه محمد اعظم صغیر السن بود که کمر همت برای تحصیل فرایض انسانی بر بست و در مدرسه اخوند ملا عبیدالله شهید سه سال گذرانید و روش مطالعه و مذاکره از دست نداد، علم ادب دینیات، منطق و شمه از ملا ابوالحسن کاوه داری بن قاضی محمد فایق به خوبی آموخت و در مدرسه عبدالرزاق گوجواری آمد و رفت داشت و تحصیل علم کرد. میل خاطرش به شعر گویی افتاد، اصلاح شعر و سخن از میرزا نورالدین شارق گرفت و چراغ خاطر عاظر از انقاس قدسیه میرزا محمد رضای مشتاق ساکن نوشهره و ملا عبدالحکیم ساطع افروخت و منسلک در زمره شعرا شد. چون جذبه روحانی و باطنی در پیش آمده زود رجوع به حق حقیقت شناسی نمود. در ۱۱۱۹هـ وقتی که بیش از هفده ساله نبود شرف خدمت قدوة السالکین شیخ محمد مراد تینگ بن ملا طاهر نقشبندی دریافت، نسبت عزیزان حاصل کرد و منازل سلوک به انجام رسانید. مدت پنج ماه در صحبت میرزا اکمل الدین بدخشی بسر برد و نه سال به ملازمت شیخ محمد مراد متو گذرانید و می عرفان چشید. در خدمت قاضی

دولت شاه بخاری یسوی، سید میر محمد هاشم قادری
گوجواری۔ حاجی عبیدالله بلخی، خلیفه عبیدالله بخاری
فاروقی، بابا قایم بچهواری، مخدوم العرفا شیخ محمد علی
رضا دہلوی سرہندی، عبدالرحیم قادری زینہ کدلی، شیخ
عبدالطیف کہوسہ و خواجہ محمد زاہد بلخی حاضر شدہ
قوت روحانی بہم رسانید و مراحل سلوک و تصوف طی
نمود (۲)۔

باوجود تعلقات دنیا در جود و سخا، صدق و صفا بی
ہمتا بود و طبع موزون داشت۔ در نظم و نثر ڈرہای بی بہامی
سفت و اشعار آبدار می گفت۔ تصنیفات او بر صفحہ روزگار
یادگار است۔ کتابہای کہ خواجہ محمد اعظم دیدہ مری
نوشته است عبارتند از:

- ۱۔ رسالہ فیض مراد ۲۔ رسالہ فواید الرضا ۳۔ رسالہ فراق
نامہ ۴۔ قواعد المشایخ ۵۔ رسالہ اثبات الجہر ۶۔ تجربتہ
الطالبین ۷۔ اشجار الخلد ۸۔ ثمرۃ الاشجار ۹۔ وسائل الاعظم
۱۰۔ واقعات کشمیر۔

خواجہ محمد اعظم علاوہ بر این کہ مورخی برجستہ و
نویسنده ای زبردست بود، در شاعری نیز تبحر داشت و
قصاید، غزلیات، قطعات تاریخ و مناقب اولیاء کہ از حد
مقبول است شاہد کمالات عالی اوست۔ میر کمال الدین

اندارابی از سادات ملارته و شیخ محمود تاره بلی بن اخوند
ملا رحمت الله مدرس تاره بلی از نظر یافتگان اوست.
خواجه محمد اعظم در دهم محرم الحرام ۱۱۷۹ هـ وفات یافت و
در مزار دیده مروها همدوش پدر خود مدفون شد. مولانا
العلامه مولوی هدایت الله مفتی بن مولوی کرم الله متو در
تکملته التواریخ می نویسد که خواجه محمد اعظم از مدت
مدید به علت ضعف گرده بیمار شد هنگام نزع رسید
شخصی به عبادتش آمد از حکیم پرسید که خواجه را چه
علت است حکیم گفت ضعف گرده خواجه فرمود همین واژه
بشمارید که تاریخ وفات من است!

اگر پرسند اعظم از چه مرده
بگو سال وصالش 'ضعف گرده'

ایضاً

زخیل ملایک به رسم دعا
خدایش بیا مرزد آمد ندا (۷)

'واقعات کشمیر': 'واقعات کشمیر' معروفترین و ارزنده
ترین اثر خواجه محمد اعظم دیده مری است و یکی از آثار
جاویدان و شاهکارهای ادبی و تاریخی کشمیر محسوب می
شود. شهرت جاوید خواجه مذکور در تاریخ، مدیون همین اثر
پاینده و فنا ناپذیر وی می باشد. واقعات کشمیر که به زبان

فارسی نوشته شده است بارها به زبان اردو هم برگردانده شده است ولی ترجمه ای که به توسط پروفیسور دکتر شمس الدین احمد مرحوم شده است معروفترین و کاملترین سلسله تراجم آن می باشد. در این کتاب شرح اغلب وقایع و پیش آمدهای تاریخی و مذهبی و اجتماعی که از آغاز یعنی وقتی که راجهای هند در کشمیر تسلط داشتند تا زمان مورخ رخ داده و تذکره های شاعران و اولیاء و مشایخ که پیش از عهد مصنف و در عهد وی در کشمیر زندگی کرده اند، آورده است. و تاریخ حکمرانان و شاعران و ادیبان و اولیاء و مشایخ که هم عصر مصنف بوده اند به دیدن هیچ گونه پرده پوشی و مبالغه و تعصب، باکمال صراحت و بی طرفی بیان نموده است. حقیقت این است که 'واقعات کشمیر' از جهت اصالت دست اول موثق ترین سند تاریخی کشمیر به شمار می رود.

خواجه محمد اعظم دیده مری نگارش واقعات کشمیر را در عهد ابوالفتح ناصرالدین محمد شاه بادشاه غازی در ۱۱۲۸ هـ آغاز کرد و در ۱۱۵۹ هـ به پایان رسانید. برای آغاز و انجام این کتاب خودش ابیات تاریخی گفته است. برای آغاز این ابیات گفته اوست:

پر مخزن فیض است پر گنات کشمیر

تا دور جهان باد ثبات کشمیر

شد سال شروع واردات کشمیر

بانام کتاب 'واقعات کشمیر' (۸)

و همین طور بیٹی کہ اختتام این کتاب را آشکار می سازد این است:

اگر پر سند تاریخش چسان یافت

بگو ترتیب ابواب الجنان یافت (۹)

'واقعات کشمیر' مبنی بر مقدمه و سه قسم و خاتمه می باشد.

مقدمه: در بیان احوال و صفات این شهر.

قسم اول: در حالات ارباب حکومت که پیش از دور اسلام درین ملک حکمرانی کردند.

قسم دوم: در حالات سلاطین که بعد از سطوع فروغ اسلام به سلطنت رسیدند و از کشمیر برخاستند.

قسم سوم: در ذکر سلاطین دودمان علیئه چغتائیه که متصرف این شهر شدند.

خاتمه: در بیان عجایب و غرایب که خاصئه این شهرست.

خواجه محمد اعظم عالم متورع و مشترع بود علاوه

بر این او یک مصنف ممتاز، مولف منفرد، مورخ و تذکره

نگار مشهور و هم شاعر عظیم بود. استعداد علمی او وسیع

بود و کمال روحانی بلند. همین سبب کارنامه های علمی،

ادبی، تاریخی و روحانی او تا امروز شهرت دارد. کسی چه

خوب گفته است:

آنکه باعز و شرف جمع مشیخیت بود

صاحب علم و ادب خواجه اعظم است (۱۰)

وسعت علمی. عظمت باطنی و قابلیت محررانه و استعداد
مصنفانه خواجه موصوف از تصنیفاتش آشکار می شود.
خواجه مذکور با اولیاء و مشایخ و بزرگان دین انس و محبت
زیادی داشت به همین علت در این تاریخ تذکره اولیاء و
مشایخ به شرح بسیط یافته می شود و خودش نوشته است که
مقصود من از نوشتن این کتاب این بود که تذکره اولیاء و علما
و صلحاء و مشایخ را آشکار سازم به همین جهت این کتاب نه
فقط یک کتاب تاریخ است بلکه تذکره مهم هم می باشد و
میتوان گفت که جامع التواریخ کشمیر است. چنانکه خودش
می فرماید:

به نام ایزد مرتب شد کماهی

گرامی نامه از فضل الهی

همی کردم به لوح سینه تصویر

شوم زینت ده گلزار کشمیر

زدیوان حقیقت برده ام راه

به احوال شه و درویش آگاه

مداد عنبر افشان کرد امداد

به تحریر کمال اہل ارشاد
به ذکر صاف طبعان خامنہ من
چو شمع افروز نور نامنہ من
قلم آسا درین سودا دویدم
بسی رنج از سیاه بختی کشیدم
مرا زین قصہ پردازی چه حاصل
به جز ذکر جوانان واصل (۱۱)

خواجہ محمد اعظم تقریباً با ہر موضوع رفتار
عادلانہ کردہ است وقایع سیاسی باشد یا حوادث جامعہ، بزم
آرایی شعر و سخن باشد یا تباہ کاریہای آفات طبیعی
مصنف ہر جایی کہ نویسد بہ مناسبت وقت و واقعہ می
نویسد۔ برای اوضاع سیاسی زبان سادہ بہ کار بردہ است۔
برای موضوعہای متصوفہ از ہمہ اصطلاحات صوفیانہ
استفادہ نہ کردہ است بلکہ فقط اصطلاحات مہمئہ تصوف
را آوردہ است۔ ہنگامی کہ دربارہ ارباب سخن ذکر می کند
انتخاب شعرش بی بدیل می باشد از این انتخاب بصیرت
ناقداننہ خواجہ آشکار می شود در این امر شکی نیست کہ
بخش تاریخی این کتاب خیلی مختصر است ولی از لحاظ
آگاہی و اطلاعات دارای اہمیت و ارزش فوق العادہ می باشد
مقصودش از نوشتن این کتاب تاریخ کشمیر نبود بلکہ تذکرہ

اولیاء بود لذا مامی توانیم بگوییم که این کتاب در لباس تاریخ سیاسی تذکره اولیای کشمیر هم می باشد. چنانکه اشارت رفت که خواجه محمد اعظم عالم و فاضل و ادیب و مورخ و هم شاعر بود اگرچه از مآخذهای بومی هیچ خبری بودن شاعر چیره دست محمد اعظم یافته نمی شود ولی از واقعات کشمیر، عیان می شود که توجه شعری خواجه موصوف به طرف مناقب اولیاء کرام و نعت های رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بوده است زیرا خواجه موصوف تربیت روحانی و باطنی راه سلوک را طی نموده بود و بسی صاحبان عالم روحانیت فیض رسان نظر کیمیا اثر وی بودند. البته از لحاظ سبک نثر نویسی 'واقعات کشمیر' وی یکی از بزرگترین آثار منثور فارسی کشمیر می باشد. خواجه موصوف در این تالیف از حیث مورخ و تذکره نگار چیره دست موفق شده است که روش تحریر را بر تاریخ نویسی و تاریخ را بر روش تحریر قربان نه کرده است بلکه یک میزان برقرار ساخته است. اسلوب نگارش واقعات کشمیر سهل و روان و علاوه بر این پخته و متین است و بدون هیچ تردید از لحاظ حسن انشاء به ویژه در اوراق اولین قریب تر از روش تحریر دوره مغول ابتدائیه می شود. برای نمونه چند جمله ها نقل می شود:

”.....از جمله فتوحاتی که خاصنه سلطان زین العابدین است این بود که همت بر تسخیر اطراف بسته و هر دو تبت را که در عهد برادرش از دست رفته به تجدید گرفته در تصرف خود آورد لاجرم پادشاه کاشغرا از قابوی او افتاده و لشکر عظیم تعیین نموده با جمیعت فراوان و ترکتازان رستم نشان متوجه به تسخیر شد. سلطان هم مجرد شهرت این خبر به تهیه لشکر و لوازم قتال اشتغال ورزید. در اثنای عرض لشکر بیست هزار سوار و یک لک پیاده به قلم آمد.....“ (۱۲)

خواجه محمد اعظم برای آشکار ساختن عظمت ظاهری این خطه بی نظیر واقعات و فتوحات تاریخ و جغرافیای کشمیر را به رشته تحریر در آورده است تا اهالی این سرزمین ماضی درخشنده خودشان را خوانده و دور را جهای هنود و سلاطین اسلام را به یاد آرند و بعد از این از عالمان و فاضلان و اولیاء کرام کشمیری النسل الهام گرفته قلوب خودشان را روشن سازند که در نفس کشی بی مثل و بی همتا بودند و از نور عمل و علم خودشان گوشه و کنار کشمیر را منور ساخته اند و پیش مانمونه های عملی پیش کرده اند.

آنان عرفای اسرار و رموز ظاهری و باطنی بودند که از شاهان وقت نمی ترسند ولی فقط از خدای متعال خوف زده بودند و غازیان مجاهده باطن و پاکی نفس بودند. همین بزرگان دین از اسلاف ماهسته اند و خواجه محمد اعظم بعضی از همین شناخته ولی اغلب ناشناخته عالمان روحانی و اجداد ما و راهنمای سلوک و طریقت را به تفصیل معرفی نموده است و در این کتاب ذکر شان کرده براهالی کشمیر احسان عظیم کرده است. بعد از جستجو و کاوش و مطالعه دقیق و از همه زحمتهای گذشته این هادیان راه باطن در صورت کتاب پیش ما هستند و ما از حالات و احوال آنان متعارف می شویم. خاصه مهم 'واقعات کشمیر' این است که این کتاب، کتاب منفرد و معتبر زمان خود بوده است و نویسندگانی که بعد از مصنف موصوف ظهور کردند برای آنان سرمشق و مآخذ بنیادی بوده است و آنان از این چشمه شیرین نسل های آینده را سیراب کرده اند و حالا هم می کنند.

هنگامی که خواجه محمد اعظم این کتاب را نوشت در آن زمان موضوع کتاب وابستگی داشت به خواست نویسنده و ابراز احترام او به شخصیت مطلوب، به عبارت دیگر در این عصر نویسندگان تحت فشار پادشاهان یا حکمرانان نبودند بلکه آزاد می اندیشیدند و این آزادی فکر در نوشته های آنان

به خوبی آشکار است. نویسنده موصوف آزاده وار این کتاب را نوشته است. نکته مهم دیگر درباره این کتاب این است که بعضی از وقایع تاریخی و اجتماعی که در آن آمده در دیگر کتابهای تاریخ موجود نیست از این سبب ارزش و اهمیت این کتاب دو چندان می شود. مورخان و نویسندگان که بعد از خواجه محمد اعظم آمدند خوشه چین کتاب مذکور بوده اند و بعضی از آنان توصیفات و خصالص این کتاب و مصنف را نیز بیان کرده اند، پیرزاده غلام حسن کهوپی‌های می نویسد:

”واقعات کشمیر از تصنیفات خواجه اعظم دیده مری است احوال را جها و سلاطین و تذکره حضرات اولیاء و علماء و فضلی کشمیر مخلوط و مربوط به طور اختصار و ایجاز تا عهد افراسیاب بیگ خان به عبارت ساده ضبط کرده است. اهل ملل آن را پسند نمی دارند لیکن مفید اهل اسلام است“ (۱۳)

مفتی غلام سرور درباره واقعات کشمیر نوشته است:

”.....چون وی را میل خاطر به شعرگویی و تاریخ

نویسی بسیار بود کتاب تاریخ اعظمی المعروف به

تواریخ دیده مری در سال ۱۲۸۱ هـ در احوال پادشاهان و

مشایخ و علماء و فضلاء و شعرای کشمیر به نهایت

فصاحت و بلاغت با تمام رسانید.....“ (۱۴)

سید حسام الدین راشدی برای خواجه محمد اعظم دیده مری
نوشتته است:

”از علمای نامدار و مشایخ کبار کشمیر

بود“ (۱۵)

پروفسور عبدالقادر سروری می گوید:

”این تاریخ مختصر مبنی بر همه ادوار می

باشد. اسلوب نگارش اعظم واضح و

سلیس است“ (۱۶)

در زمان خواجه محمد اعظم دیده مری تذکره های

بسیار در شبه قاره هند درباره اولیاء و صوفیان مورد بحث

تهیه و تالیف شده است، زیرا عده فراوانی از بزرگان و اهل

طریقت در دوره پیشین و در این دوره می زیسته اند. مردم نه

تنها شخصیت بزرگی و سیرت آنان را محترم شمرده اند

بلکه عظمت روحانی ایشان را گرامی داشته و ذکرشان در

بسیاری از تذکره ها آمده است.

مؤلف ’تحول نثر فارسی در شبی قاره‘ درباره واقعات کشمیر

و تذکره های دیگر می نویسد:

”تذکره های اولیاء که در زمره کتابهای تاریخ قرار گرفته است

گاهی مورخان ضمن تاریخ نویسی فصلی را برای ذکر علماء،

شعرا و عرفا اختصاص داده اند، مثلاً هفت گلشن شاهی،

مرآت احمدی، واقعات کشمیر، برهان الفتوح، چهار گلشن و نظیر آنها“ (۱۷).

واقعات کشمیر را اگر کتاب تاریخ گویم یا تذکره اولیاء و علماء و شعرای کشمیر هیچ مبالغه نباشد و هر دو درست است زیرا محتویات این کتاب علاوه بر وقایع تاریخی درباره شعراء و ادباء و مشایخ و اولیای کشمیر تفصیل بیشتری داده شده است او خودش نوشته است که مقصود من تذکره اولیای کشمیر بود نه که تاریخ نویسی. ولی این هم تاریخ است و هم تذکره. این کتاب به سبک ساده تالیف شده است و صنایع لفظی و معنوی در آن به کار نرفته، بیشتر متعلق به اولیاء و شعرای کشمیر است. شیوه نگارش این کتاب سبک مخصوص عالمانه و عارفانه است. کلام منظوم عربی و فارسی برای زیبایی عبارات به کار برده و اغلب ماده تاریخ وفات اولیاء، علماء و شعراء به صورت شعر آمده است.

این کتاب از تذکره ها و تاریخ های با ارزش فارسی به شمار می رود، مؤلف برای نوشتن آن دقت و توجه فراوانی به کار برده و پاره ای از مطالب مهم را شرح داده است. برای نوشتن این کتاب مدت یازده سال صرف نمود زیرا در آن هنگام ضعیف و مریض شده بود و نتوانست نظر ثانی کند. این کتاب علاوه بر آنکه اطلاعات جامع و ارزنده ای را فراهم

ساخته محتویات آن دارای اعتبار نیز هست در آخر من می
توانم همین بگویم که اگر این کتاب نوشته نمی شد، ما از مآخذ
گران بها و ارزنده ادبی و تاریخی کشمیر محروم می ماندیم.

منابع و مآخذ

(۱) واقعات کشمیر چاپ سریناگر ص ۲۹۲ ضمیمه مصحح
مولوی محمد شاه مفتی سعادت مرحوم، چون آشکار است در
۱۱۱۱ سال ورود موی مقدس رسول الله صلی الله علیه وسلم در
کشمیر می باشد. خواجه محمد اعظم در تاریخ خود می نویسد
”راقم حروف در آن وقت در سن هفت هشت سالگی بود...“
رجوع کنید واقعات کشمیر چاپ سریناگر ص ۱۹۱ اگر با ۱۱۰۳
هشت سال جمع بکنیم سال ۱۱۱۱ برمی آید به همین سبب سال
تولد خواجه محمد اعظم دیده مری سال ۱۱۰۳ هجری می باشد.

(۲) همان مآخذ ص ۲۹۱.

(۳) همان مآخذ ص ۲۹۲.

(۴) واقعات کشمیر، ترجمه و تحقیق پروفیسور شمس الدین احمد

ص. ۲

(۵) واقعات کشمیر چاپ سریناگر ضمیمہ مصحح و محشی ص

۲۹۲

(۶) همان مآخذ ص ۲۹۳

(۷) همان مآخذ ص ۲۹۵ بحوالہ تکملتہ التواریخ

(۸) واقعات کشمیر چاپ سریناگر ص ۴

(۹) همان مآخذ ص ۲۹۴

(۱۰) تاریخ بزرگان کشمیر، پیرزادہ عبدالخالق طاہری ص ۳۰

(۱۱) واقعات کشمیر چاپ سریناگر ص ۲۷۵

(۱۲) همان مآخذ ص ۵۰

(۱۳) تاریخ حسن، ج ۱، ص ۳۷۳

(۱۴) خزینتہ الاصفیاء، مفتی غلام سرور لاہوری، کانپور نول

کشور پریس ج ۱، ص ۶۷۲

(۱۵) تذکرہ شعرای کشمیر، سید حسام الدین راشدی، ج ۱، ص

۸۵ بحوالہ تذکرہ علمای ہند ص ۱۸۰

(۱۶) کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، عبدالقادر سروری ص

۱۹۰-۱۹۱

(۱۷) تحوّل نثر فارسی در شبہ قارہ، دکتر محمودہ ہاشمی، مرکز

تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۵ ش ص ۸۱

☆☆☆